

تأثیر شاخص‌های کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد

صفدر علی پور^۱

اسماعیل امیری^۲

حسن همتی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۹

چکیده:

پژوهش حاضر ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد را بررسی کرده و اثر شاخص‌های کیفیت حسابرسی (دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی و اندازه اهمیت صاحبکار) را بر این دو متغیر تبیین کرده است. نمونه آماری پژوهش، متشکل از ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۴ می‌باشد. برای سنجش آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره از نوع لاجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که، بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته استدلال می‌کند که، مدیران با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری، تصمیمات نادرست سرمایه‌گذاری را اتخاذ می‌کنند و منجر به سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. همچنین، هر چند دوره تصدی بالای حسابرس باعث افزایش شناخت و تجارب حسابرس می‌شود، ولی به دلیل خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس بر اثر روابط طولانی با صاحبکار، انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای سرمایه‌گذاری بیش از حد ناشی از مدیریت سود بیشتر می‌کند. دیگر یافته‌های پژوهش حاکی از این است که، اندازه بزرگ موسسه حسابرسی باعث کاهش ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. این دلایل ناشی از ارائه کیفیت بالای مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌باشد که باعث کاهش اقلام تعهدی اختیاری برای دستکاری سود می‌شود. نهایتاً «نشان داده شد که، اندازه اهمیت صاحبکار اثر معکوسی بر رابطه میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد. در واقع، صاحبکاران با اهمیت به دلیل انتخاب حسابرسان شایسته‌تر، امکان استفاده از فرصت‌هایی که باعث کاهش تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌شوند را کاهش می‌دهند.

کلمات کلیدی: دستکاری سود، سرمایه‌گذاری بیش از حد، شاخص‌های کیفیت حسابرسی.

۱- مربی، عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه خلیج فارس بوشهر

۲- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران - بابلسر (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: Esmaeilamiri@ujiroft.ac.ir

۳- استادیار، عضو هیئت علمی گروه حسابداری موسسه آموزش عالی پرندک

۱- مقدمه

مدیران بعضی اوقات سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام می‌دهند که قادر به ایجاد یک ارزش فعلی خالص مثبت نیستند. یک مثال خاص از این دست سرمایه‌گذاری‌های ناکارآمد، سرمایه‌گذاری بیش از حد است، موقعیتی که در آن مدیر فراتر از سطح بهینه سرمایه‌گذاری می‌نماید (مئو، ۲۰۱۲). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که، مدیران یا در راستای دستیابی به منافع شخصی، همچون افزایش منابع تحت کنترلشان یا افزایش اعتبارشان (استولز، ۱۹۹۰)، یا به این دلیل که آن‌ها اعتماد بیش از حد به توانایی‌هایشان دارند (مالمندایر و تیت، ۲۰۰۵)، سرمایه‌گذاری بیش از حد انجام می‌دهند. به عنوان یک سازوکار نظارتی، کیفیت گزارشگری مالی ظرفیت مدیران به منظور سرمایه‌گذاری بیش از حد را کاهش می‌دهد (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶؛ وردی، ۲۰۰۶؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹). برخی از پژوهش‌های پیشین دستکاری سود و تصمیمات سرمایه‌گذاری را به صورت وقایعی مجزا مد نظر قرار داده‌اند (مک نیکولز و استوبن، ۲۰۰۸). در حقیقت، طرف‌های درگیر در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری ممکن است از فعالیت‌های دستکاری سود ناآگاه باشند. اگر این ایده درست باشد، تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها ممکن است بر مبنای ارقام حسابداری انجام شود که به اعتقاد آن‌ها انعکاس ظرفیت شرکت در ایجاد ارزش برای سهامداران است و نتیجتاً منجر به سرمایه‌گذاری غیر بهینه می‌شود.

حسابرسان شرکت نیز می‌توانند بر میزان دستکاری سود تأثیر بگذارند. یک حسابرسی با کیفیت‌تر مدیران را ملزم به پذیرش یک رویکرد محافظه‌کارانه‌تر در گزارشگری مالی می‌نماید (مک‌نیکولز و استوبن، ۲۰۰۸). شاهد این ادعا نتایج پژوهش‌های بی‌شماری است که به بررسی کیفیت حسابرسی به منزله معیاری از کیفیت سود پرداخته‌اند (لنارد و یو، ۲۰۱۱؛ بون و همکاران، ۲۰۱۰؛ هو و همکاران، ۲۰۱۰؛ لی، ۲۰۱۰؛ جنکینز و ولوری، ۲۰۰۸؛ بکر و همکاران، ۱۹۹۸). همانند مطالعات صورت گرفته توسط جنکینز و ولوری (۲۰۰۸) و لی (۲۰۱۰) در پژوهشی از اهمیت صاحبکار به عنوان شاخصی از کیفیت حسابرسی استفاده شده است. اهمیت صاحبکار با استفاده از نسبت فروش‌های صاحبکار به کل فروش‌های صنعت مربوطه اندازه‌گیری می‌شود. همچنین دوره تصدی حسابرس در بین گروه اهمیت صاحبکار اندازه‌گیری شده، به این دلیل که پژوهشگران پیشین دوره تصدی حسابرس را به کیفیت حسابرسی ارتباط داده‌اند (چن و همکاران، ۲۰۰۸؛ کارسلو و نیجی، ۲۰۰۴؛ مایرز و همکاران، ۲۰۰۳؛ گایگر و راگوناندن، ۲۰۰۲؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین، کیفیت بالای حسابرسان منجر به کاهش دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری می‌شود و انتظار می‌رود کیفیت بالای حسابرسان از فرصت‌های که مدیران برای سرمایه‌گذاری بیش از حد بوجود می‌آورند بکاهد. با بازنگری در مطالب فوق، این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که، آیا شاخص‌های کیفیت حسابرسی اثری بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌گذارند؟

□ ۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد

بنا به اظهارات براتن و همکاران (۲۰۱۱)، استانداردهای گزارشگری مالی طراحی شده‌اند تا به مدیریت اجازه دهد به طور صادقانه‌ای عملیات شرکتشان را به نمایش بگذارد. تهیه صورت‌های مالی مستلزم این است که این استانداردها در طیف وسیعی از موضوعات حسابداری اعمال شود. بسیاری از این موضوعات قضاوت‌های مهمی را بر پایه درک مدیریت از عملیات تجاری شرکتشان ملزم می‌نماید یا حداقل اجازه می‌دهد. نمونه‌هایی از این قضاوت‌ها شامل ارزیابی موجودی‌ها، مطالبات و تعهدات بازنشستگی است. اما این فرآیند شانس گزارشگری مالی فرصت‌طلبانه را نیز فراهم می‌نماید.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌ها به منظور بهبود استنباطات از صورت‌های مالی، در موقعیت‌های چندی اقدام به دستکاری سود می‌کنند، از جمله قبل از عرضه عمومی اوراق بهادار، به منظور انطباق با اقتضائات قراردادهای وام و جهت اعطای پاداش به مدیران (هیلی و والن، ۱۹۹۹). حسابداران و اقتصاددانان مالی، و از جمله پژوهشگران آکادمیک، سال‌هاست که دریافته‌اند شرکت‌ها به شیوه‌های گوناگونی از آزادی عمل موجود در قواعد حسابداری برای مدیریت سود بهره می‌برند (کورنتا و همکارا، ۲۰۰۸) و این عمل در دنیای شرکت‌ها نافذ و فراگیر است (کالن، ۲۰۱۱) و روز به روز در حال افزایش است. برای نمونه کوهن و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند که مدیریت سود از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ به تدریج افزایش یافته است. به نحوی که در چند دهه اخیر، پدیده مدیریت سود به عنوان یکی از مشکلات حرفه حسابداری مطرح گردیده است. مدیریت سود وضعیت مالی واقعی سازمان‌ها را کتمان می‌کند و اطلاعات مربوطی را که سرمایه‌گذاران باید از آن‌ها آگاه باشند پنهان می‌نماید (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹).

معمول‌ترین استدلال این است که مدیریت سود ملازم با دستکاری سود است و حاکی از یک دخالت هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی بیرونی به قصد دستیابی به پاره‌ای منافع شخصی است (شیپر، ۱۹۸۹). مطابق با این نگرش، مدیران به دستکاری سود مبادرت می‌ورزند تا منافع شخصی خود را بهبود دهند، از جمله افزایش سود و پاداش‌های شخصی خود و پنهان کردن اخبار بد که می‌تواند منجر به از دست دادن پاداش یا شاید، بدتر از آن برکنار شدن شود. اما نگرش دیگر این است که سود مدیریت می‌شود تا اطلاعاتی (اشاراتی) برای سهامداران در مورد عملکرد آتی شرکت فراهم نماید. بر این مبنا، مدیریت سود منتج به ارقام سودی خواهد شد که برای سرمایه‌گذاران مفید خواهد بود و به ارزش شرکت می‌افزاید. نگرش سوم (با تفاوت ظریف) این است که مدیریت سود غالباً هر دو جزء دستکاری سود و سیگنالدهی را تلفیق می‌کند (شیپر، ۱۹۸۹؛ گای و همکاران، ۱۹۹۶؛ هیلی، ۱۹۹۶).

دستکاری سود می‌تواند بر سرمایه‌گذاران خارجی و همین‌طور بر تصمیم‌گیری‌های داخلی اثر گذارد. گودمن و همکاران (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند بودجه‌بندی سرمایه‌های یکی از مهم‌ترین پایه‌ای‌ترین مسئولیت‌های مدیریت شرکت است. عامل تعیین‌کننده موفقیت در سرمایه‌گذاری، توانایی مدیر در پیش‌بینی بازدهی پروژه است زیرا پیش‌بینی نقشی حیاتی در روش‌های ارزیابی

پروژه‌های سرمایه‌ای ایفا می‌نماید. پیش‌بینی‌های سود می‌تواند برای ذینفعان بیرونی ارزشمند باشد نه تنها به این دلیل که این ارقام انعکاس انتظارات مدیریت از سود دوره بعد است بلکه هم چنین به این دلیل که اطلاعاتی را آشکار می‌سازد. در مورد دانش مدیر از محیط اقتصادی شرکت و توانایی وی جهت پیش‌بینی افق‌های تجاری آتی که عنصر عمده در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌ای است. تصمیمات سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی سود، ادراک و توانایی مشابهی را می‌طلبد. زیرا، سود اساساً بازده انباشته حاصل از سرمایه‌گذاری‌های پیشین است. اگرچه پیش‌بینی بازدهی پروژه‌های آتی یک بخش مهم در تصمیمات سرمایه‌گذاری است، اما توانایی یافتن یک ارتباط تجربی بین سود و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیر چندان روشن نیست. یکی از دلایل این است که مدیران ممکن است ترغیب به درگیر شدن در اقدامات مدیریت سود شوند.

شو و همکاران (۲۰۱۲) بر این باورند که صادرکنندگان سهام می‌توانند سود را به طور غیرعادی بالاتر نشان دهند که این امر از طریق اتخاذ تعدیلات اختیاری اقلام تعهدی حسابداری که سود گزارش شده را نسبت به جریان‌های نقدی واقعی بالاتر می‌برد تحقق می‌یابد. اگر سرمایه‌گذاران (خریداران) توسط این سود هدایت شوند اما ناآگاه از این باشند که سود به واسطه استفاده بی‌حد و حصر از اقلام تعهدی متورم شده است ممکن است قیمت مشخصی را بسیار بالا بپردازند (تئو و همکاران، ۱۹۹۸). از نگاه دیگر، یک پروژه سرمایه‌گذاری زمانی کارا است و لازم است پذیرفته شود که ارزش فعلی خالص آن بیشتر از صفر باشد. در عین حال مدیران انگیزه‌هایی دارند تا باعث رشد شرکتشان فراتر از اندازه بهینه شوند، به عنوان مثال با ساختن امپراطوری‌ها. توضیحات متفاوتی برای این سرمایه‌گذاری بیش از حد وجود دارد از اعتماد بیش از حد مدیر به توانایی‌هایش یا به بازده پروژه‌های انتخابی گرفته (مالمن‌دایر و تیت، ۲۰۰۵؛ بن دیوید و همکاران، ۲۰۰۷؛ شراند و زچمن، ۲۰۱۲) تا جستجوی اهداف شخصی که می‌تواند ناهمسو با منافع ذینفعان باشد. به عنوان مثال سرمایه‌گذاری بیش از حد اندازه منابع تحت کنترل مدیر را افزایش می‌دهد، در نتیجه باعث افزایش پرستیژشان (استولز، ۱۹۹۰) و نهایتاً افزایش پاداششان می‌گردد (مئو، ۲۰۱۲).

گزارشگری مالی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی راجع به تصمیمات سرمایه‌گذاری را بین مدیران و ذینفعان شرکت تقلیل دهد (هولمستروم و تیروول، ۱۹۹۳؛ بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). زمانی که اطلاعات حسابداری از کیفیت بالایی برخوردار است، ذینفعان قادر به نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران به صورت دقیق‌تری هستند، مدیران توانایی کمتری در ارتکاب سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند و کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد (وردی، ۲۰۰۶؛ هوپ و توماس، ۲۰۰۸؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ فرانسیس و مارتین، ۲۰۱۰). اگر گزینه‌های سرمایه‌گذاری بیش از حد و مدیریت سود به طور جداگانه‌ای انجام شوند، به صورتی که توسط مک نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) اظهار شده است، مدیریت سود می‌تواند انتظارات اشخاص درون شرکت که تصمیمات سرمایه‌گذاری را اتخاذ می‌کنند از رشد شرکت منحرف کند و نتیجتاً منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری نادرست (سرمایه‌گذاری بیش از حد) شود (بیدل و هیلاری، ۲۰۰۶؛ مک نیکولز و استوبن، ۲۰۰۸؛ بیدل و همکاران، ۲۰۰۹؛ لنارد و یو، ۲۰۱۲؛ طالب نیا و همکاران، ۱۳۹۲؛ سلیمانی امیری و فرشی، ۱۳۹۲).

به بیان ساده تر، در حالی که شرکت‌هایی که به دستکاری سود مبادرت می‌ورزند، ممکن است نتیجه مطلوبی را برای سرمایه‌گذاران نشان دهند، این چنین ارائه‌های همراه کننده‌ای می‌تواند بر تصمیم‌گیری داخلی اثر گذارد و منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری ناکارآمد یا غیر بهینه شود (مک نیکولز و استوبن، ۲۰۰۸).

۲-۲- کیفیت حسابرسی و سرمایه‌گذاری بیش از حد

دو توضیح سنتی برای تحریف سرمایه‌گذاری عبارت‌اند از ناهمسویی منافع مدیر و سهامداران و اطلاعات نامتقارن بین افراد درون شرکت و بازار سرمایه (زیا و مین، ۲۰۰۸) که این‌ها مشکلات نمایندگی ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت هستند. مشکلات نمایندگی مربوط به تفکیک مالکیت و کنترل، منجر به ایجاد تقاضا برای خدمات حسابرسی خارجی می‌شود. اساساً آبشخور مشکلات نمایندگی، اطلاعات نامتقارن در قراردادهای مالک-نماینده است. اطلاعات نامتقارن اشاره به وضعیتی دارد که در آن یکی از طرفین معامله در مقایسه با طرف دیگر اطلاعات بیشتری دارد. مدل‌های تحلیلی روشن ساخته‌اند که یک شرط ضروری برای اعمال مدیریت سود، وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران است. در صورت وجود عدم تقارن اطلاعاتی، سهامداران منابع، انگیزه‌ها و دستیابی ناکافی به اطلاعات مربوط جهت نظارت بر اقدامات مدیر دارند و در این جا است که مدیریت سود می‌تواند رخ دهد (صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱). اما حسابرسی یکی از ارکان مهم حاکمیت شرکتی است که می‌تواند به عنوان ابزار کنترل کننده‌ای نگریسته شود که قابلیت محدود کردن انگیزه‌های مدیریت در راستای دستکاری سود را دارد (حاجی‌ها و همکاران، ۱۳۹۱). در حالی که مسئولیت تهیه صورت‌های مالی با مدیریت است، اما وظیفه تعیین درجه انطباق آن با اصول پذیرفته شده حسابداری به عهده حسابرسان است. اگرچه انعطاف موجود در اصول پذیرفته شده حسابداری، این فرصت را برای مدیران به ارمغان می‌آورد که بدون انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری، به دستکاری سود مبادرت ورزند، اما حسابرس نیز متقابلاً دارای این قدرت است که مفروضات مدیریت را به چالش بکشد و پیش از صدور اظهار نظر حسابرسی، انجام تغییراتی را الزامی کند. بنابراین، از منظر تئوری، حسابرس می‌تواند در کنار کشف موارد انحراف از اصول پذیرفته شده حسابداری، سطح مدیریت سود را نیز به میزان زیادی کاهش دهد (ابراهیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۱). در ارتباط با شاخص‌های کیفیت حسابرسی که در میزان مدیریت سود نمود می‌یابد پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که از این میان می‌توان به تخصص حسابرس در صنعت، دوره تصدی حسابرس، استقلال حسابرس، اندازه مؤسسه حسابرسی، اهمیت یا اندازه صاحبکار اشاره کرد.

۲-۲-۱- تخصص حسابرس در صنعت

تخصص حسابرس در صنعت به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود. از چشم‌انداز تجربی، حسابرسان متخصص در صنعت به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و پرهیز از دعاوی قضایی احتمالی، نقشی محدودکننده را در سطح اقلام تعهدی

اختیاری ایفا می‌کنند. به موازات اینکه سطح تخصص حسابرسان در صنعت مورد نظر بیشتر می‌شود، اندوخته دانش تخصصی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود که نسبت به سایر حسابرسان غیرمتخصص، دقت بیشتری در شناخت گزارشگری متقلبانه داشته باشند (حاجی‌ها و همکاران، ۱۳۹۱). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که شرکت‌های صاحبکار دارای حسابرسان متخصص در صنعت با کیفیت بالاتر گزارشگری مالی از طریق کاهش سطح اقلام تعهدی اختیاری یا عدم تقارن اطلاعاتی همراه بوده‌اند (شوئر، ۲۰۰۲؛ بالسام و همکاران، ۲۰۰۳؛ کریشنان، ۲۰۰۳؛ ژو و الدر، ۲۰۰۳؛ راسمین، ۲۰۱۰؛ صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱؛ حاجی‌ها و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین استفاده از حسابرسان متخصص در صنعت به جلوگیری از مدیریت سود کمک می‌کند. این یافته‌ها مؤید این نگرش است که حسابرسان با کسب تخصص در صنایع گوناگون به متمایزسازی محصول دست می‌یابند و توانایی ارائه حسابرسی با کیفیت‌تری را کسب می‌کنند. کیفیت بالاتر حسابرسی توسط متخصصین صنعت همچنین قابل انتساب به این حقیقت است که آن‌ها شدیداً در فناوری، تسهیلات فیزیکی، نیروی کار و سیستم‌های کنترل سازمانی سرمایه‌گذاری می‌کنند که متعاقباً آن‌ها را قادر می‌سازد تا قانون‌گذری‌ها و نمایش‌های غیرواقعی را با سهولت بیشتری کشف کنند. توانایی آن‌ها در فراهم‌سازی حسابرسی‌های با کیفیت‌تر ناشی از تجربه آن‌ها در خدمت‌رسانی به سایر مشتریان در همان صنعت و یادگیری و تشریح بهترین شیوه‌های عمل در بین صنعت است (صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱).

۲-۲-۲- دوره تصدی حسابرسی

یکی دیگر از شاخص‌های اثرگذار بر مدیریت سود، مدت زمان تصدی مؤسسه حسابرسی است. در مورد دوره تصدی مؤسسه حسابرسی دو نظریه متضاد وجود دارد. مطابق با نظریه اول، دوره تصدی مؤسسه حسابرسی باعث کاهش تدریجی استقلال حسابرسان شده که ادامه این روند در طولانی مدت می‌تواند موجبات از بین رفتن انگیزه و کمرنگ شدن هدف حسابرسان را فراهم نماید. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون منتج به شواهدی شده‌اند که تلویحاً این نظریه را تأیید می‌کنند (لی (۲۰۰۷) به شواهدی دال بر ارتباط منفی دوره تصدی حسابرسی و محافظه‌کاری حسابداری و در نتیجه کیفیت حسابرسی دست یافت. لی (۲۰۱۰) به این نتیجه رهنمون شد که روابط طولانی مدت حسابرسان - صاحبکار تهدید بیشتری را برای استقلال حسابرسان و در نتیجه کیفیت حسابرسی فقط برای صاحبکاران کوچک‌تر به همراه دارد). در طیف مقابل، مخالفان ادعای کاهش استقلال حسابرسان به موازات تصدی طولانی مدت حسابرسی معتقدند حسابرسان به تناسب افزایش طول دوره تصدی صاحبکاران خود، قادرند دانش و تجربه بهتری را در مورد آن‌ها کسب کنند که این تجربه به نوبه خود می‌تواند موجبات بهبود کیفیت حسابرسی را فراهم کند. بنا به نظر زنگین و اوزکان (۲۰۱۰) حسابرسان در راستای کسب توانایی لازم جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و مدیریت نیازمند تصدی طولانی‌تری است تا از این مجرا امکان دستیابی به اطلاعات بیشتر در مورد شرکت را مهیا کند و متعاقباً بتواند گزارشگری مالی گمراه

کننده را تشخیص دهد (حاجی‌ها و همکاران، ۱۳۹۱). گایگر و راگوناندن (۲۰۰۲)، مایرز و همکاران (۲۰۰۳)، گول و همکاران (۲۰۰۷)، چن و همکاران (۲۰۰۸) در تأیید نظریه اخیر نتایج پژوهش‌هایی را مستند کرده‌اند دال بر اینکه امکان شکست گزارش حسابرِس در سال‌های اولیه تصدی صاحبکار بیشتر است. بنابراین دوره تصدی بالاتر می‌تواند مدیریت را در انجام مدیریت سود، دچار محدودیت کند (جکینز و ولوری، ۲۰۰۸؛ لی، ۲۰۱۰؛ حاجی‌ها و همکاران، ۱۳۹۱).

۲-۲-۳- اندازه مؤسسه حسابرسی

اندازه مؤسسه حسابرسی یکی دیگر از شاخص‌های کیفیت حسابرسی است. دی انجلو (۱۹۸۱) استدلال می‌کند که حسابرسان بزرگ‌تر نسبت به سایر حسابرسان، حسابرسی‌های با کیفیت تری فراهم می‌کنند که این ادعا متعاقباً توسط پژوهش‌های تجربی وسیعی تأیید می‌شود. پژوهشگران بسیاری به ارتباط منفی بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سطح اقلام تعهدی اختیاری پی برده‌اند که از آن جمله‌اند: تئو و وانگ، ۱۹۹۳؛ بکر و همکاران، ۱۹۹۸؛ فرانسیس و همکاران، ۱۹۹۹؛ کریشان، ۲۰۰۳؛ ژو و الدر، ۲۰۰۳؛ چن و همکاران، ۲۰۰۵؛ دیویدسون و همکاران، ۲۰۰۵؛ صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱؛ سواستیکا، ۲۰۱۳). راجع به اهمیت اندازه حسابرِس، دی انجلو (۱۹۸۱) و داتار و همکاران (۱۹۹۱) ادعا می‌کنند که مؤسسات حسابرسی بزرگ و معتبر، نگران حفاظت از سرمایه‌گذارانشان در سرمایه‌بی‌بدیل شهرت خود هستند و انگیزه‌های بیشتری به منظور عرضه یک حسابرسی با کیفیت نسبت به سایر حسابرسان دارند. افزون بر این کراس ول و همکاران (۱۹۹۵) و رینولدز و فرانسیس (۲۰۰۰) دریافتند که مؤسسات حسابرسی بزرگ به واسطه نام و نشان خود شهرت دارند، حق الزحمه‌های حسابرسی بالاتری را مطالبه می‌کنند و از منظر کیفیت، متفاوت از مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر رفتار می‌کنند. کریشان (۲۰۰۳) نیز بر این باور است که مؤسسات حسابرسی بزرگ، نه تنها منابع و تخصص بیشتری را برای کشف مدیریت سود در اختیار دارند، بلکه به دلیل داشتن صاحبکاران بزرگ‌تر و مهم‌تر، انگیزه بیشتری را نیز برای حمایت از شهرت خود دارند.

۲-۲-۴- استقلال حسابرِس

برخی دیگر از پژوهشگران با استفاده از معیار حق‌الزحمه حسابرسی به بررسی تأثیر استقلال حسابرِس بر مدیریت سود پرداخته‌اند با این استدلال که حق‌الزحمه بالای پرداختی توسط شرکت به حسابرِس خارجی‌اش وابستگی اقتصادی بین حسابرِس و صاحبکار را افزایش داده و بنابراین می‌تواند استقلال حسابرِس را خدشه‌دار کند که این به نوبه خود منجر به کیفیت ضعیف حسابرسی و مدیریت سود بیشتر می‌گردد (فرانکل و همکاران، ۲۰۰۲؛ لی و لین، ۲۰۰۵، صفری گرایلی و همکاران، ۲۰۱۱).

۲-۲-۵- اهمیت یا اندازه صاحبکار

یکی دیگر از شاخص‌های بحث انگیز کیفیت حسابداری، اندازه یا اهمیت صاحبکار است. استدلال می‌شود که اندازه بزرگ‌تر مؤسسه به معنی انتظار مشکلات نمایندگی بیشتری است که مؤسسه احتمالاً تجربه خواهد کرد (عابد و همکاران، ۲۰۱۲). افزون بر این، با توجه به این حقیقت که مؤسسات بزرگ منابع بیشتری دارند و سود بالاتری را کسب می‌کنند، گری و کلارک (۲۰۰۴) خاطر نشان می‌کنند که با احتمال بیشتری از مدیریت سود به واسطه اقلام تعهدی اختیاری اجتناب می‌کنند. اثر اهمیت یا اندازه صاحبکار بر دستکاری سود بحث انگیز است. در این رابطه دو دیدگاه متضاد وجود دارد: (۱) اولین دیدگاه که مدافعانی همچون لنوکس (۱۹۹۹)، گور و همکاران (۲۰۰۱)، کلین (۲۰۰۲)، زی و همکاران (۲۰۰۳)، عبدالرحمان و علی (۲۰۰۶) دارد، یک ارتباط منفی را توسعه داده است؛ شرکت‌های بزرگ‌تر با سیستم‌های کنترل داخلی پیچیده، حساب‌رسان شایسته‌تر و شهرت بیشتر، بیشتر قادر به پرهیز از دستکاری سود هستند. این دیدگاه مؤید این ایده هست که شرکت‌های کوچک‌تر مستعد کنترل کمتر از سوی سطوح بالا هستند و بنابراین، مدیران با احتمال بیشتری درگیر فعالیت‌های مدیریت سود می‌شوند (عابد و همکاران، ۲۰۱۲). (۲) نگرش مقابل یک ارتباط مثبت را بین اندازه و مدیریت سود پیشنهاد می‌کند؛ شرکت‌های بزرگ‌تر با فشار بیشتر بازار سرمایه و قدرت چانه زنی بیشتر با احتمال بیشتری سود را مدیریت می‌کنند (موسز، ۱۹۸۷؛ مایرزو اسکینر، ۲۰۰۰؛ نلسون و همکاران، ۲۰۰۲). (نقل از سواستیکا، ۲۰۱۳).

غالب پژوهش‌ها به نتایجی حاکی از تأیید نگرش اول دست یافته‌اند؛ سواستیکا (۲۰۱۳)، صفری و همکاران (۲۰۱۱)، به نتایجی حاکی از ارتباط معکوس بین اندازه شرکت و مدیریت سود دست یافتند. این دلالت بر این دارد که شرکت‌های بزرگ بواسطه واریسی بیشتر از جانب تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران با احتمال کمتری درگیر مدیریت سود می‌شوند. لی (۲۰۰۷) دریافت که ارتباط معکوس بین دوره تصدی حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری قابل اطلاق به اثرگذارترین صاحبکاران نیست که این خود در تضاد با تئوری وابستگی اقتصادی است که اشاره می‌کند. بزرگ‌ترین صاحبکاران انگیزه‌هایی اغوا کننده را برای حساب‌رسان فراهم می‌کنند تا باعث شوند حساب‌رسان آن‌ها را با گزارشگری مطلوب حفظ نمایند. این یافته با این دیدگاه سازگار است که در مورد بزرگ‌ترین صاحبکاران، نگرانی حساب‌رسان از بابت دعاوی قضایی و حفظ شهرت بر اعمال فرصت طلبانه آن‌ها فائق می‌آید (رینولدز و فرانسیس، ۲۰۰۱). لی (۲۰۱۰) اهمیت صاحبکار را در روابط حساب‌رسان-صاحبکار مورد سنجش قرار داد و به این نتیجه رسید که روابط طولانی مدت حساب‌رسان-صاحبکار تهدید بیشتری را برای استقلال حساب‌رسان و در نتیجه کیفیت حسابداری فقط در مورد صاحبکاران کوچک‌تر نسبت به صاحبکاران بزرگ‌تر به همراه دارد. رینولدز و فرانسیس (۲۰۰۰) نتوانستند شواهدی را ارائه کنند، مبنی بر اینکه وابستگی اقتصادی حساب‌رسان باعث می‌شود حساب‌رسان برای صاحبکاران بزرگ‌تر گزارشگری مطلوب‌تری ارائه دهند. اما لنارد و یو (۲۰۱۱) شواهدی را ارائه کردند، مؤید اینکه صاحبکاران کم اهمیت‌تر تکنیک‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تری را به کار می‌برند و بنابراین کیفیت سود بالاتری دارند.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

چن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی، تأثیر جریان نقدی آزاد و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که، بین جریان نقدی آزاد و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دیگر یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از این بود، تمرکز مالکیت دولتی و اندازه هیات مدیره، جریان بیش سرمایه‌گذاری شرکت را کاهش می‌دهد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی، ارتباط بین سرمایه‌گذاری بیش از حد، عدم‌اطمینان تئوری و اعتماد بنفیس زیاد مدیریت را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که، کاهش عدم‌اطمینان تئوری، سرمایه‌گذاری بیش از حد را افزایش می‌دهد و اعتماد بنفیس زیاد مدیریت، رابطه بین عدم‌اطمینان تئوری و سرمایه‌گذاری بیش از حد را منفی می‌کند. همچنین، عدم‌اطمینان تئوری اثرات نامتقارنی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد بر در طول چرخه‌های مختلف اقتصادی می‌گذارد.

چی‌جن و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی، رابطه بین سرمایه‌گذاری بیش از حد، ارزش نهایی نگهداشت وجه و حاکمیت شرکتی را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه منفی با ارزش نهایی نگهداشت وجه نقد دارد و وجود سرمایه‌گذاران نهادی و اعضای مستقل هیات مدیره اثرات منفی بر نگهداشت وجه نقد می‌گذارند.

لو (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای، اثر محیط‌های سازمانی را بر سرمایه‌گذاری بیش از حد را بررسی کرد. یافته‌های وی نشان داد که محیط‌های سازمانی از قبیل شاخص‌های بازار و شاخص‌های مداخله‌گر دولت مانع از سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود و حاکمیت قانونی در سطح منطقه هیچ اثری بر سرمایه‌گذاری بیش از حد ندارد.

ریچاردسون (۲۰۰۶) در پژوهشی، رابطه بین سرمایه‌گذاری بیش از حد و جریان نقدی آزاد را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که، در شرکت‌هایی که جریان نقدی آزاد بالای دارند هزینه‌های نمایندگی بالا و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند. همچنین، حضور سهامداران فعال در ساختار مالکیتی شرکت باعث کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی، تأثیر مدیریت سود و کیفیت حسابرسی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، با افزایش مدیریت سود، سرمایه‌گذاری بیش از حد افزایش می‌یابد و کیفیت حسابرسی باعث کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

ثقفی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای، رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری بیش از حد و جریان نقد آزاد بررسی کردند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که، هر چه کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌ها بالاتر باشد، مساله سرمایه‌گذاری بیش از حد، کمتر به وجود می‌آید. تأثیر کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد از طریق کیفیت اطلاعات حسابداری در این شرکت‌ها با جریان‌های نقد آزاد بالا به مراتب بیشتر است.

تهرانی و حصارزاده (۱۳۸۸) در پژوهشی، جریان‌های نقدی آزاد و محدودیت در تأمین مالی

بر بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که، بین جریان‌های نقدی آزاد و بیش سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بین محدودیت در تأمین مالی و کم سرمایه‌گذاری رابطه معناداری وجود ندارد.

□ ۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: دوره تصدی حسابرس اثر معناداری بر رابطه بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد.

فرضیه سوم: اندازه موسسه حسابداری اثر معناداری بر رابطه بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد.

فرضیه چهارم: اهمیت اندازه صاحبکار اثر معناداری بر رابطه بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد.

□ ۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه‌تجربی پس رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است و از نظر ماهیت و اهداف کاربردی می‌باشد که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های تلفیقی/ترکیبی آزمون شده است. داده‌های مورد نیاز از بانک اطلاعاتی نرم افزار ره‌آورد نوین، شبکه کدال و سایت بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است. در این پژوهش، برای تحلیل آماری از نرم افزارهای Excel و Eviews استفاده شده است.

□ ۶- جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۴ است. در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، شرایط زیر به منظور تعیین نمونه آماری پژوهش در نظر گرفته شده است:

(۱) به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌های مورد بررسی باید قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

(۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

(۳) طی سال‌های مالی مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

(۴) جزو بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ) نباشند.

پس از اعمال روش نمونه‌گیری حذفی، تعداد ۱۲۴ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شد.

۷- مدل‌های پژوهش

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لاجستیک به شرح مدل زیر استفاده شده است. مدل (۱)- آزمون فرضیه اول

$$OverInv_{it} = \beta_0 + \beta_1 DACC_{it} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)- آزمون فرضیه‌های دوم تا چهارم

$$OverInv_{it} = \beta_0 + \beta_1 DACC_{it} + \beta_2 Audtenure_{it} + \beta_3 AudSize_{it} + \beta_4 ImClients_{it} + \beta_5 Audtenure_{it} \times DACC_{it} + \beta_6 AudSize_{it} \times DACC_{it} + \beta_7 ImClients_{it} \times DACC_{it} + \beta_8 MTB_{it} + \beta_9 CFO_{it} + \beta_{10} Growth_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

OverInv: سرمایه‌گذاری بیش از حد

DACC: اقلام تعهدی اختیاری

Audtenure: دوره تصدی حسابرس

AudSize: اندازه موسسه حسابداری

ImClients: اهمیت اندازه صاحبکار

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری آن

CFO: جریان وجوه نقدی عملیاتی

Growth: رشد دارایی‌های شرکت

۸- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها

۸-۱- متغیر وابسته پژوهش

متغیر وابسته پژوهش، سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌باشد. سرمایه‌گذاری بیش از حد متغیری مجازی است. اگر میزان سرمایه‌گذاری شرکت بیش از میانه سرمایه‌گذاری صنعت مربوطه باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است.

۸-۲- متغیر مستقل پژوهش دستکاری سود

متغیر مستقل پژوهش عبارت است از دستکاری سود. برای اندازه‌گیری دستکاری سود از معیار اقلام تعهدی اختیاری که با استفاده جزء باقیمانده مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) که به صورت زیر

محاسبه شده، استفاده شده است.

$$\frac{ACCR_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

$$DACC_{it} = \frac{ACCR_{it}}{TA_{it-1}} - \alpha_1 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل:

$ACCR_{it}$: اقلام تعهدی برابر است با سود عملیاتی پس از کسر وجوه نقد عملیاتی،

ΔREC_{it} : تغییرات در حساب‌های دریافتی شرکت در سال t و $t-1$ ،

PPE_{it} : ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات،

ضرایب‌های مدل فوق می‌باشند: $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$

در مدل فوق برای برآورد پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ ، از داده‌های تابلویی و بر اساس نتایج آزمون F مقید و هاسمن از روش اثرات ثابت و مدل حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است. برای همگن کردن متغیرها از مجموع دارایی‌های اول دوره استفاده شده است. برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، بعد از برآورد پارامترهای مدل فوق، میزان خطای محاسبه شده هر شرکت در هر سال (ε_{it}) به عنوان اقلام تعهدی اختیاری (دستکاری سود) در نظر گرفته شده است.

۸-۳- متغیرهای تعدیل‌کننده پژوهش

متغیرهای تعدیل‌کننده پژوهش عبارت‌اند از دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابداری، اهمیت اندازه صاحبکار.

دوره تصدی حسابرس برابر با تعداد سال‌های که یک حسابرس، حسابرسی صورت‌های مالی شرکت را برعهده داشته است، در نظر گرفته شده است.

اندازه موسسه حسابداری متغیری مجازی است. اگر صورت‌های مالی شرکت توسط سازمان حسابداری رسیدگی شده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر می‌باشد.

اهمیت اندازه صاحبکار از طریق نسبت فروش‌های صاحبکار به کل فروش‌های صنعت مربوطه است. این متغیر هم به صورت مجازی می‌باشد. به این ترتیب، اگر مقدار نسبت فروش‌های صاحبکار از میانه فروش کل صنعت بیشتر باشد دلالت بر اهمیت اندازه صاحبکار است و برای آن عدد یک در نظر گرفته شده است در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

۸-۴- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش عبارت‌اند از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری آن، جریان وجه نقد عملیاتی، و رشد دارایی‌های شرکت. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری از طریق نسبت ارزش بازار

حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره محاسبه شده است. جریان وجوه نقد عملیاتی، مقدار این متغیر از صورت جریان وجه نقد استخراج شده و به کل دارایی‌های شرکت تقسیم شده است. رشد دارایی‌ها از طریق نسبت ارزش کل دارایی‌های در پایان دوره نسبت به ارزش کل دارایی‌های در ابتدای دوره بدست آمده است.

۹- یافته‌های پژوهش

۹-۱- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در جدول ۱، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان داده شده است. به دلیل نزدیک بود مقدار مشاهده‌های میانگین و میانه، داده‌های پژوهش از توزیع تقریباً نرمال برخوردار هستند لازم به ذکر است متغیرهای سرمایه‌گذاری بیش از حد، اندازه موسسه حسابداری و اهمیت اندازه صاحبکار متغیرهای مجازی (۱ و ۰) هستند.

جدول ۱، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
سرمایه‌گذاری بیش از حد	-	-	-	۱	۰
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۶	۰/۱۶۲	۰/۹۲۷	-۰/۱۶۶۰
دوره تصدی حسابرس	۳/۸۲۸	۳	۲/۷۱۱	۶	۱
اندازه موسسه حسابداری	-	-	-	۱	۰
اندازه اهمیت صاحبکار	-	-	-	۱	۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲/۱۷۵	۱/۷۷۵	۷/۳۵۴	۲۱/۵۰	۰/۵۹۲
جریان وجوه نقد عملیاتی	۰/۲۴۵	۰/۰۹۲	۱/۷۸۲	۰/۵۱۶	-۰/۰۴۱
رشد دارایی‌ها	۲/۵۱۲	۰/۹۴۶	۵/۹۸۶	۶/۵۳۵	۰/۰۷۶

۹-۲- نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

در جدول شماره ۲، مانایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آماره لوین، لو و چو مورد آزمون قرار گرفته است و نشان داده شده است. با توجه به این که مقدار خطای این آماره کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد. بیان‌گر این است که، مانایی متغیرهای پژوهش با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. این نتایج حاکی از این است، میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول دوره زمانی پژوهش ثابت می‌باشد و وجود ریشه واحد در متغیرهای پژوهش تأیید نمی‌شود و رگرسیون استفاده شده کاذب نمی‌باشد.

جدول ۲، نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

سطح معناداری	آماره	علامت اختصاری	متغیرها
۰/۰۰۰	-۵/۲۵	OverInv	سرمایه‌گذاری بیش از حد
۰/۰۰۰	-۲۷/۷۲	DACC	اقدام تعهدی اختیاری
۰/۰۰۰	-۱۶/۰۶	Audtenure	دوره تصدی حسابرسان
۰/۰۰۰	-۱/۱۲	AudSize	اندازه موسسه حسابداری
۰/۰۰۰	-۸/۲۷	ImClients	اندازه اهمیت صاحبکار
۰/۰۰۰	-۳۶/۷۲	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۰۰۰	-۱۸/۸۸	CFO	جریان وجوه نقد عملیاتی
۰/۰۰۰	-۸۶/۲۶	Growth	رشد دارایی‌ها

۹-۳- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۹-۳-۱- نتایج آزمون فرضیه اول

در جدول ۳، نتایج آزمون فرضیه اول که با مدل (۱) مورد آزمون قرار گرفته، آورده شده است. مقدار آماره LR مدل با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد. این مقدار آماره نشان می‌دهد، کل مدل رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب تعیین مک فادن شده بیانگر این است که، ۲۴٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار ضریب و آماره Z متغیر اقدام تعهدی اختیاری (دستکاری سود) به ترتیب برابر با ۰/۶۲۳ و ۰/۵۷۴ می‌باشد و در سطح اطمینان ۹۹٪ این ضریب معنادار است. این موضوع حاکی از این است که، دستکاری سود باعث افزایش سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. بنابراین، فرضیه اول پژوهش با سطح اطمینان ۹۹٪ پذیرفته می‌شود. نتایج متغیرهای کنترلی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، جریان وجوه نقد عملیاتی، رشد فروش رابطه مثبت با سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$OverInv_{it} = \beta_0 + \beta_1 DACC_{it} + \beta_2 MTB_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	β_0	۱/۳۲۷	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
اقدام تعهدی اختیاری	DACC	۰/۶۲۳	۰/۵۷۴	۰/۰۰۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰/۲۴۵	۰/۹۵۳	۰/۰۲۹
جریان وجوه نقد عملیاتی	CFO	۱/۷۴۵	۱/۳۸۶	۰/۱۹۸
رشد فروش	Growth	۰/۷۲۱	۰/۳۶۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین مک فادن		۰/۲۴	آماره LR	۵۷/۳۶
خطای استاندارد مدل		۰/۰۰۲	سطح معنی‌داری LR	۰/۰۰۰

۹-۳-۲- نتایج آزمون فرضیه دوم تا چهارم

در جدول ۴، نتایج آزمون فرضیه دوم تا چهارم که با مدل (۲) مورد آزمون قرار گرفته، آورده شده است. مقدار آماره LR مدل با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار می‌باشد که این مقدار آماره نشان می‌دهد کل مدل رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب تعیین مک فادن بیانگر این است که، ۲۸٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار ضریب و آماره Z متغیر دوره تصدی حسابداری در اقدام تعهدی اختیاری به ترتیب برابر با ۰/۲۴۶ و ۰/۵۲۳ می‌باشد، و در سطح اطمینان ۹۹٪ این رابطه معنادار نیست. بنابراین، دوره تصدی حسابداری اثر مثبت بر رابطه دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد. به بیان دیگر، هر چند دوره تصدی حسابداری، ارتباط مثبت بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد را حفظ می‌کند، ولی از لحاظ آماری این تأثیرگذاری معنادار نمی‌باشد. با این وجود، فرضیه دوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۹٪ پذیرفته نمی‌شود. مقدار ضریب و آماره Z متغیر اندازه موسسه حسابداری در اقدام تعهدی اختیاری به ترتیب برابر با ۰/۰۶۵- و ۱/۷۴۲- می‌باشد، این نتایج نشان می‌دهد که، اندازه موسسه حسابداری اثر منفی بر استفاده از اقدام تعهدی اختیاری (دستکاری سود) برای سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد. به بیان دیگر، اندازه موسسه حسابداری اثر معکوسی بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش با سطح اطمینان ۹۹٪ مورد تأیید واقع می‌شود. مقدار ضریب و آماره Z متغیر اهمیت اندازه صاحبکار در اقدام تعهدی اختیاری به ترتیب برابر با ۰/۲۷۵- و ۰/۳۲۹- می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹٪ این ضریب معنادار است. بنابراین، اهمیت اندازه صاحبکار باعث منفی شدن رابطه بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. به این ترتیب، فرضیه چهارم با سطح اطمینان ۹۵٪ مورد پذیرش واقع شد.

جدول ۴، نتایج آزمون فرضیه‌های دوم تا چهارم پژوهش

$OverInv_{it} = \beta_0 + \beta_1 DACC_{it} + \beta_2 Audtenure_{it} + \beta_3 AudSize_{it} + \beta_4 ImClients_{it} + \beta_5 Audtenure_{it} \times DACC_{it} + \beta_6 AudSize_{it} \times DACC_{it} + \beta_7 ImClients_{it} \times DACC_{it} + \beta_8 MTB_{it} + \beta_9 CFO_{it} + \beta_{10} Growth_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
مقدار ثابت	β_0	۱/۳۱۲	۱/۶۳۵	۰/۰۰۰
اقدام تعهدی اختیاری	DACC	۰/۳۹۱	۰/۱۵۸	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی	Audtenure	۰/۳۵۷	۰/۱۸۵۶	۰/۱۳۷
اندازه موسسه حسابرسی	AudSize	-۰/۴۲۵	-۰/۷۶۹	۰/۰۰۳
اهمیت اندازه صاحبکار	ImClients	-۰/۵۱۶	-۰/۱۸۶۲	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی در اقدام تعهدی اختیاری	Audtenure × DACC	۰/۲۴۶	۰/۵۲۳	۰/۱۲۸
اندازه موسسه حسابرسی در اقدام تعهدی اختیاری	AudSize × DACC	-۰/۰۶۵	-۱/۷۴۲	۰/۰۰۳
اهمیت اندازه صاحبکار در اقدام تعهدی اختیاری	ImClients × DACC	-۰/۲۷۵	-۰/۳۲۹	۰/۰۲۷
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	۰/۷۴۲	۰/۴۷۵	۰/۰۱۲
جریان وجوه نقد عملیاتی	CFO	۰/۹۵۳	۰/۲۶۸	۰/۵۲۱
رشد فروش	Growth	۰/۶۲۷	۰/۳۱۸	۰/۰۱۸
ضریب تعیین مک فادن		۰/۲۸	آماره LR	۵۲/۴۲
خطای استاندارد مدل		۰/۰۰۸	سطح معنی داری LR	۰/۰۰۰

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

دستکاری سود می‌تواند بر سرمایه‌گذاران خارجی و همین‌طور بر تصمیم‌گیری‌های داخلی اثر گذارد. شرکت‌هایی که به دستکاری سود مبادرت می‌ورزند، ممکن است نتیجه مطلوبی را برای سرمایه‌گذاران نشان دهند، این چنین ارائه‌های گمراه‌کننده‌ای می‌تواند بر تصمیم‌گیری داخلی اثر گذارد و منجر به تصمیمات سرمایه‌گذاری ناکارآمد یا غیر بهینه شود. در این راستا، حسابرسان با نقش اعتباردهی صورت‌های مالی، کیفیت صورت‌های مالی را از منظر گزارشگری اطمینان بخشی می‌کنند. زمانی که اطلاعات حسابداری از کیفیت بالایی برخوردار است، ذینفعان قادر به نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران به صورت دقیق‌تری هستند، مدیران توانایی کمتری در ارتکاب سرمایه‌گذاری بیش از حد دارند و کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. با این اهداف، نتایج حاصل

از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که، بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از این یافته استنباط می‌شود، استفاده از ارقام تعهدی اختیاری برای دستکاری سود منجر به ایجاد فرصت‌های می‌شود که مدیران از تصمیمات آگاهانه شرکت منحرف شوند و اقدام به سرمایه‌گذاری بیش از حد کنند. این موضوع، باعث ایجاد مساله انتخاب نادرست ناشی از اقدام‌های فرصت‌طلبانه مدیریت برای دستیابی به اهداف و موضع خویش می‌شود و همچنین مشکلات نمایندگی را بر اثر سرمایه‌گذاری بیش از حد افزایش می‌یابد. نتایج فرضیه دوم پژوهش نشان داد که دوره تصدی حسابرسان باعث حفظ رابطه مثبت میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. ولی از لحاظ آماری این تاثیرگذاری معنادار نیست. بنابراین، هر چند طولانی شدن مدت تصدی حسابرسان باعث می‌شود که حسابرسان قادر باشند تا دانش و تجربه بهتری را در مورد فعالیت‌های صاحبکار کسب کنند، اما این تجربه به نوبه خود می‌تواند باعث خدشه‌دار شدن استقلال حسابرسان می‌شود و در صورت تبانی، مدیران از ارقام تعهدی اختیاری بیشتری برای دستکاری سود استفاده می‌کنند و مدیران از این طریق اقدام به سرمایه‌گذاری نادرست می‌کنند، به عبارت دیگر، به سرمایه‌گذاری‌های بیش از حد روی می‌آورند. نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان داد که اندازه موسسه حسابرسی باعث معکوس شدن رابطه میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. به بیان دیگر، کیفیت بالای مؤسسات بزرگ حسابرسی باعث شده که مدیران کمتر از ارقام تعهدی اختیاری برای دستکاری سود استفاده نمایند و تا از مشکلات نمایندگی ایجاد شده بر اثر عوامل سرمایه‌گذاری بیش از حد، کاسته شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از این بود که، اهمیت اندازه صاحبکار باعث کاهش ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که، شرکت‌ها با اندازه بزرگ از سیستم‌های کنترل داخلی پیچیده، حسابرسان شایسته‌تر، شهرت بیشتر و بیشتر قادر به پرهیز از مدیریت سود هستند و در پی این اقدامات، به دلیل تلاش‌های حسابرسان بر این شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری بیش از حد یا ناکارایی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

□ ۱۱- پیشنهادهای کاربردی پژوهش

ملاحظه شد که طولانی شدن تصدی حسابرسان در شرکت، انگیزه‌های مدیران را برای سرمایه‌گذاری بیش از حد از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری بیشتر می‌کند. بر این مبنای، به نظارت‌کنندگان و تدوین‌کنندگان مقررات بازار بورس پیشنهاد می‌شود، الزاماتی در خصوص تشویق شرکت‌ها به عدم پذیرش مجدد موسسه حسابرسی قبلی پس از چرخش اجباری حسابرسان (۴ سال) تدوین نمایند. زیرا، این امر موجب کیفیت بالای اعتباردهی صورت‌های مالی شده و ناکارایی سرمایه‌گذاری از سوی مدیران حذف خواهد شد. بر مبنای نتایج تأثیر منفی اندازه موسسه حسابرسی بر ارتباط بین دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به شرکت‌های که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی می‌شوند توجه بنمایند زیرا، کیفیت بالای حسابرسی، مهر تصدیقی بر اعتباردهی بالای صورت‌های مالی است. همچنین به سرمایه‌گذاران صورت‌های مالی پیشنهاد می‌شود

که در شرکت‌های که صاحبکاران آن‌ها با اهمیت هستند سرمایه‌گذاری کنند زیرا، این شرکت‌ها بیشتر در معرض دید و توجه از سوی تحلیلگران و کارشناسان بازار هستند و برای حفظ سهم خود در بازار، احتیاط می‌کنند. براساس این دستاوردها، فرصتی فراهم شد که استفاده کنندگان صورت‌های مالی با آگاهی از مولفه‌های کیفیت حسابداری، اقدامات هوشمندانه‌ای را در اتخاذ سرمایه‌گذاری‌شان بردارند و مدیران به منظور تأمین منافع سرمایه‌گذاران در بهبود تصمیم‌گیری‌هایشان تلاش بیشتری کنند.

۱۲. پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی

در حوزه پژوهش آتی به منظور بهره‌برداری از نتایج این پژوهش گام‌های زیر برداشته شود. به صورت مقایسه‌ای موضوع پژوهش حاضر برای سرمایه‌گذاری کمتر از حد بررسی شود. دیگر مولفه‌های کیفیت حسابداری مانند تخصص حسابداری در صنعت بر ارتباط میان دستکاری سود و سرمایه‌گذاری بیش از حد مطالعه شود. برای تشریح تضاد نمایندگی، اثر حق‌الزحمه حسابداری بر ارتباط میان دستکاری سود و ناکارایی سرمایه‌گذاری مورد بررسی شود.

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهلا؛ ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۱). مدیریت سود، انگیزه‌ها و راهکارها، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابداری، سال اول، شماره ۱، ص ۲۶-۱.
- ۲- اعتمادی، حسین، فرزانی حجت اله؛ غلامی حسین آباد، رضا، ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ارزش‌های اخلاق شرکتی بر درک مدیریت سود، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴، صص. ۳۵-۴۶.
- ۳- تهرانی، رضا، حصارزاده، رضا. (۱۳۸۸). تأثیر جریان‌های نقدی آزاد و محدودیت در تأمین مالی بر بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری، تحقیقات حسابداری، شماره ۳، ص ۶۷-۵۰.
- ۴- ثقفی، علی، بولو، قاسم، محمدیان، محمد. (۱۳۹۰). کیفیت اطلاعات حسابداری، سرمایه‌گذاری بیش از حد و جریان نقد آزاد، پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۲، ص ۶۳-۳۷.
- ۵- حاجی‌ها، زهره؛ برادران حسن زاده، رسول؛ احمدزاده، یونس (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تخصص در صنعت و دوره تصدی حسابداری بر مدیریت سود (با تأکید بر صورت‌های مالی میان دوره‌ای) در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، سال دوازدهم، شماره ۴۹، ص ۶۹-۸۴.
- ۶- سلیمانی امیری، غلامرضا؛ فرشی، زهرا (۱۳۹۲). بررسی اثر اهداف مالیاتی شرکت‌ها بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره هجدهم، مسلسل ۶۶، صص. ۱۳۹-۱۶۰.
- ۷- طالب‌نیا، قدرت‌الله؛ شیرینی، احمدرضا؛ ضرابی، مریم (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مدیریت سود و کیفیت حسابداری بر سرمایه‌گذاری بیش از حد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، شماره ۵۳، ص ۲۶-۱.

1. Aljifri, K. (2007). "Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective." *Journal of Accounting - Business & Management*, Vol. 14, PP. 7595-.
2. Balsam, S., G.V., Krishnan and J.S., Yang, 2003. "Auditor industry specialization and earnings quality", *Auditing: a Journal of Practice & Theory*, Vol. 22, No. 2, pp. 7197-.
3. Becker, C.L., M.L., DeFond, J., Jiambalvo and K.R., Subramanyam, 1998. "The effect of audit quality on earnings management", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 15, No. 1, pp 124-.
4. Ben-David, I., Graham, J.R. and Harvey, C.R., (2007). *Managerial overconfidence and corporate policies*, Working paper, National Bureau of Economic Research, 13711.
5. Biddle, G.C. and Hilary, G., 2006. *Accounting quality and firm-level capital investment*, *The Accounting Review*. 81(5), pp963982-.
6. Biddle, G.C., Hilary, G. and Verdi, R.S., 2009. *How does financial reporting quality relate to investment efficiency?*. *Journal of Accounting and Economics*, 48, pp 112131-.
7. Boone, J.P., Khurana, I.K., & Raman, K.K. (2010). *Do the Big 4 and the second-tier firms provide audits of similar quality?* *Journal of Accounting and Public Policy*, 29(4), pp 330350-.
8. Bratten, B., Payne, J. L., and Thomas, W.B. (2011) *Earnings Management: Do Firms Play "Follow the Leader"?*
9. Burgstahler, D. and Eames, M. (2006) *Management of Earnings and Analysts' Forecasts to Achieve Zero and Small Positive Earnings Surprises*, *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 33, No. 56-, pp. 633652-
10. Bushman, R.M. and Smith, A., 2001. *Financial accounting information and corporate governance*. *Journal of Accounting and Economics*, 31, pp 237333-.
11. Callen, J. L. (2011) *Do culture and religion mitigate earnings management? Evidence from a cross country analysis*, *International Journal of Disclosure and Governance*, Vol. 8, 2, pp103121-.
12. Carcello, J. & Nagy, A. (2004). *Audit firm tenure and fraudulent financial reporting*. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 23, pp 5569-.
13. Chen, C.-Y., Lin, H.-J., & Lin, Y.-C. (2008). *Audit partner tenure, audit firm tenure, and discretionary accruals: Does long auditor tenure impair earnings quality?* *Contemporary Accounting Research*, 25, pp 41545-.
14. Chen, X., Sun, Y., Xu, X. (2016). *Free cash flow, over-investment and corporate governance in China*, 37, PP 81103-.
15. Chih Jen Huang, Tsai-Ling Liao, Yu-Shan Chang, (2015) "Over-investment, the marginal value of cash holdings and corporate governance", *Studies in Economics and Finance*, Vol. 32 Iss: 2, pp 204 – 221.
16. Chen, K.Y., K., Lin and J., Zhou, 2005. "Audit quality and earnings management for

Taiwan IPO firms”, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 20, No. 1, pp. 86104-.

17. Chen, Ken Y.; Elder, Randal J.; Hsieh, Yung-Ming. (2007) Corporate Governance and Earnings Management: The Implications of Corporate Governance Best-Practice Principles for Taiwanese Listed Companies, *Journal of contemporary accounting and economics*, Vol.3, No. 2 pp 73105-.

18. Cohen, D. A., A. Dey and T. Z. Lys (2005).”Trends in Earnings Management and Informativeness of Earnings Announcements in the Pre- and Post-Sarbanes Oxley Periods.”[Online].<<http://www.Social Science Research Network.com>>.

19. Cornetta, M. M., A. J. Marcusb and H. Tehranian (2008).”Corporate Governance and Pay-for-Performance: The Impact of Earnings Management.” *Journal of Financial Economics*, Vol. 87, PP357373-.

20. Craswell, A., J., Francis, and S., Taylor, 1995.”Auditor brand name reputations and industry specializations”, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 20, No. 3, pp. 297-322.

21. Datar, S.M., G.A., Feltham, and J.S., Hughs, 1991.”The role of audits and audit quality in valuing new issues”, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 14, No. 1, pp. 349-.

22. Davidson, R., J. Goodwin-Stewartb and P. Kent (2005).”Internal Governance Structures and Earnings Management.” *Accounting and Finance*, Vol. 45, No. 2, PP. 241-267.

23. DeAngelo, L.E., 1981. “Auditor size and audit quality”, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 3, pp. 99183-.

24. Francis, J.R. and Martin, X., 2010. Acquisition profitability and timely loss recognition. *Journal of Accounting and Economics*, 49, pp 161178-.

25. Francis, J.R., E.L., Maydew and H.C., Sparks, 1999.”The role of big 6 auditors in the credible reporting of accruals”, *Auditing: a Journal of Practice & Theory*, Vol. 18, No. 2, pp 1734-.

26. Frankel, R. M., M. F., Johnson and K.K., Nelson, 2002.”The relation between auditors’ fees for nonaudit services and earnings management”, *The Accounting Review*, Vol. 35, No. 1, pp. 71105-.

27. Geiger, M., & Raghunandan, K. (2002). Auditor tenure and auditor reporting failures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 21(1), pp 6178-.

28. Goodman, T. H., Neamtiu, M., Shroff, N. and White, H. T. (2014). Management Forecast Quality and Capital Investment Decisions, *THE ACCOUNTING REVIEW*, Vol. 89, No. 1, pp. 331365-.

29. Guay, W. R., Kothari, S. P. and Watts, R. L. (1996) A market-based evaluation of discretionary accrual models. *Journal of Accounting Research* 34: pp 83 - 105.

30. Gul, F. A., Jaggi, B. L. and G. V. Krishnan. (2007). Auditor Independence: Evidence on the Joint Effects of Auditor Tenure and Nonaudit Fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 26(2), pp117142-.
31. Healy, P. (1996) Discussion of a market-based evaluation of discretionary accrual models. *Journal of Accounting Research* 34: pp 107 - 115.
- 32.
33. Healy, P. M. and J. Wahlen. "A Review of the Earning Management Literature and Its Implications for Standard Setting." *Accounting Horizon*, 13, (1999), pp. 365383-.
34. Ho, L.C.J., Liu, C.S., & Schaefer, T. (2010). Audit tenure and earnings surprise management. *Review of Accounting and Finance*, 9(2), 116138-.
35. Holmstrom, B. and Tirole, J., 1993. Market liquidity and performance monitoring. *Journal of Political Economy*, 101(4), pp 678709-.
36. Hope, O. and Thomas, W.B., 2008. Managerial empire building and firm disclosure. *Journal of Accounting Research*, 46(3), pp 591626-.
37. Jenkins, D.S., & Velury, U. (2008). Does auditor tenure influence the reporting of conservative earnings? *Journal of Accounting and Public Policy*, 27, pp115132-.
38. Johnson, V., Khurana, I., & Reynolds, J. (2002). Audit tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, 19, pp 63760-.
39. Krishnan, G. V. (2003). "Audit Quality and the Pricing of Discretionary Accrual." *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 22, No. 1, March. PP.109?126.
40. Lenard, M. J. and Yu, B. (2012). Do Earnings Management and Audit Quality Influence Over-Investment by Chinese Companies? *International Journal of Economics and Finance*, 4, (2), pp 2130-.
41. Lenard, M.J., & Yu, B. (2011). The effect of auditor tenure on accounting conservatism: Evidence from Chinese companies with local audit firms. Working paper, Meredith College, Raleigh, NC.
42. Li, D. (2007). Auditor tenure and accounting conservatism, Georgia Institute of Technology, A Dissertation Presented to The Academic Faculty In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the School of Management.
43. Li, D. (2010). Does auditor tenure affect accounting conservatism? Further evidence. *Journal of Accounting and Public Policy*, 29, 226241-.
44. Li, J. and J., Lin, 2005. "The relationship between earnings management and audit quality", *Journal of Accounting and Finance Research*, Vol. 12, No. 1, pp. 111-.
45. Luo X. (2011) Institutional Environment and Over-Investment – From the Empirical Evidence of Chinese a Shares. In: Zhou Q. (eds) *Advances in Applied Economics, Business and Development*. ISAEED 2011. Communications in Computer and Information Science, vol 209. Springer, Berlin, Heidelberg.

46. Malmendier, U. and Tate, G., 2005. CEO overconfidence and corporate investment. *The Journal of Finance*, 60(6), 2661-2700-.
47. McNichols, M.F. and Stubben, S.R., 2008. Does earnings management affect firms' investment decisions? *The Accounting Review*, 83 (6), 1571-1603-.
48. Meo, F., D. (2012). Overinvestment, Subsequent Earnings Management, and CEO Tenure Available online at: <http://ssrn.com/abstract=2425244>.
49. Myers, J., Myers, L., & Omer, T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78, 7799-.
50. Myers, J.N., Myers, L.A., & Omer, T.C. (2003). Exploring the Term of the Auditor-Client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?. *Accounting Review*. Vol 78. 779800-.
51. Reynolds, J.K., & Francis, J. (2000). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 30, 3, 375-400-.
52. Richardson, S.A., Sloan, R.G., Soliman, M.T. and Tuna, I., (2005). Accrual reliability, earnings persistence and stock prices. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 437-48-.
53. Richardson, S. (2006). Over-investment of free cash flow, *Review of Accounting Studies*, 11(2) pp 159-189.
54. Rusmin, R., 2010. "Auditor quality and earnings management: Singaporean evidence", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 25, No. 7, pp. 618-638-.
55. Safari gerayli, M., Momeniyanesari, A. and Ma'atoofi, A. R. (2011). Impact of Audit Quality on Earnings Management: Evidence from Iran, *International Research Journal of Finance and Economics*, No. 66, pp. 778-4-.
56. Schauer, Paul C. (2002). The Effects of Industry Specialization on Audit Quality: An Examination Using Bid-Ask Spreads. *Journal of Accounting and Finance Research*. 10(1). 768-6-.
57. Schipper, K. (1989) Commentary on earnings management. *Accounting Horizons* 3: 91 - 102.
58. Schrand, C.M. and Zechman, S.L., 2012. Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 311-329-.
59. Shu, P. G., Chiang, S. J. and Lin, H. Y. (2012) Earnings Management, Managerial Optimism, and IPO Valuation, *Journal of Behavioral Finance*, 13:2, 147-161-.
60. Stulz, R.M., 1990. Managerial discretion and optimal financing policies. *Journal of Financial Economics*, 26(1), 327-.
61. Swastika, D. L. T. (2013). Corporate Governance, Firm Size, and Earning Management: Evidence in Indonesia Stock Exchange, *Journal of Business and Management*, Vol. 10,

No. 4, pp. 7782-.

62. Teoh, S. H. and T. J., Wong, 1993. 'Perceived auditor quality and the earnings response coefficient', *The Accounting Review*, Vol. 68, No. 2, pp. 346366-.

63. Teoh, S. H., I. Welch, and T. J. Wong. "Earnings Management and the Subsequent Market Performance of Initial Public Offerings." *Journal of Finance*, 53, (1998), pp. 19351974-.

64. Verdi, R S., 2006. Financial reporting quality and investment efficiency. Working paper. University of Pennsylvania.

65. Wang, X., Zhang, M. & Yu. (2016). Managerial overconfidence and over-investment: Empirical evidence from China, 3 (3), pp 453-469.

66. Xia, W. and Min, Z. (2008). CEO overconfidence and distortions of firms' investment: some empirical evidence from china, working paper, Renmin university of china.

67. Zengin, Yasemin. Serdar, Ozkan. (2010). audit quality and earnings management in interim financial reports. www.ssrn.com.

68. Zhou, J. and R., Elder. (2003). Audit firm size, industry specialization and earnings management by initial public offering firms", working paper, Syracuse University, Syracuse, NY and SUNY-Binghamton, Binghamton, NY.

Archive of SID